





# اندیشه های سیاسی آیت الله نایینی

تالیف:

میلاذ یاوری

(دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی)

شهریار ربیعی

(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی)

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

سرشناسه	: یآوری، میلاد، ۱۳۷۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله نایینی / تألیف میلاد یآوری، شهریار ربیعی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۶-۴۱-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۱۷ - ۲۲۴.
موضوع	: نایینی، محمدحسین، ۱۲۳۹ - ۱۳۱۵ -- نقد و تفسیر
موضوع	: نایینی، محمدحسین، ۱۲۳۹ - ۱۳۱۵ -- دیدگاه درباره سیاست و حکومت
شناسه افزوده	: ربیعی، شهریار، ۱۳۶۳ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ن ۱۵ ی ۲/۲۳۱ BP
رده بندی دیویی	: ۴۸۳۲/۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۲۲۸۲۲

## انتشارات قانونی یار

### اندیشه های سیاسی آیت الله نایینی

تألیف: میلاد یآوری - شهریار ربیعی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-8796-41-1

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

## فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۹.....	فصل اول
۹.....	مروری بر پیشینه و تاریخچه بحث
۵۴.....	فصل دوم
۵۴.....	مفهوم و ماهیت مشروطه و جنبش مشروعیّت
۶۹.....	فصل سوم
۶۹.....	بررسی و شناخت روش اجتهادی آیت الله نایینی
۱۰۱.....	فصل چهارم
۱۰۱.....	بررسی منابع معرفتی روش اجتهاد
۱۱۳.....	فصل پنجم
۱۱۳.....	تجزیه و تحلیل داده ها
۱۵۵.....	فصل ششم
۱۵۵.....	تبیین فقهی استبداد (شرک عملی) از منظر آیت الله نایینی
۲۰۸.....	فصل هفتم
۲۰۸.....	نتیجه گیری و جمع بندی بحث
۲۲۰.....	منابع و مآخذ



## مقدمه

در جنبش مشروطیت ایران نهاد سلطنت استبدادی قاجار به پادشاهی مشروطه مبدل شد، مراجع نجف و مجتهدان ایران نقش اصلی را در شکل دهی به افکار مردم و بسیج اجتماعی جهت پیروزی جنبش بر عهده داشتند. در این میان آیت‌الله محمد حسین غروی نایینی نقش ایدئولوگ جنبش و طراح نظریه نظام سیاسی مشروطه مشروعه سلطنتی را با نوشتن رساله‌ی «تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» ایفا نمود. موضوع این رساله اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله نایینی در تطبیق با مدل روش‌شناسی توماس اسپریگنز و تأثیر اندیشه‌های ایشان بر تحولات سیاسی و اجتماعی دوره‌ی مشروطه تا ابتدای دوره‌ی رضا شاه می‌باشد. مدل روش‌شناسی اسپریگنز دارای دو منطق اصلی بازسازی شده و درونی است که منطق بازسازی شده شامل چهار مرحله‌ی مشاده بحران، علل و عوامل بحران، درمان بحران و مدل حکومت آرمانی می‌باشد که از منظر نایینی مهم‌ترین بحران استبداد در نهاد سلطنت و نوع روابط بین مردم و حکام که ایجاد کننده استبداد و مستبد هستند و علل بحران استبداد شامل علل سیاسی، فرهنگی و جامعه‌شناختی و درمان بحران با مدل دولت محقق و قدر مقدور مشروطه‌ی مشروعه سلطنتی و مدل آرمانی حکومت دولت‌های حق نبوی و علوی و مهدوی می‌باشند. سؤال اصلی این رساله ناظر بر موضوع آن و منطق درونی اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله نایینی می‌باشد. در تئوری دولت مشروطه مشروعه‌ی نایینی مجلس شورای ملی، اصل تفکیک قوا، قانون اساسی، آزادی و برابری جزء مهم‌ترین ابزارهای شکل‌گیری نظام مشروطه سلطنتی محسوب می‌گردند. بحران استبداد در اندیشه‌های نایینی ریشه تاریخی دارد و در این رساله به تاریخ اسلام و ایران مورد بررسی قرار گرفته است که شروع این بحران در تاریخ اسلام مربوط به دوره حکومت معاویه ابن ابی‌سفیان اولین خلیفه بنی‌امیه است که در مقابل امامت، خلافت و حکومت امام علی (ع) ایجاد شد و اساس حکومت خود را بر زور و زر و تزویر نهاد. فساد همه‌جانبه و خودرایی از ویژگی‌های این نظام سیاسی بود. آیت‌الله نایینی برای اثبات ادله‌ی خود بر لزوم تشکیل حکومت مشروطه از پنج اصل فقهی مشورت یا شورا، اصل اکثریت (عندالدوران)، اصل امر به معروف و نهی از منکر، قاعده‌ی نفی سیل، قاعده‌ی حرمت اعانت بر گناه استفاده می‌کند. او را به دلیل نوآوری‌های فقهی (مجددالاصول) نام نهادند زیرا فقه سیاسی را در دوران جدید به اوج استدلال رساند و الهام بخش بزرگانی چون حضرت امام خمینی (قدس) در بحث ولایت فقیه شد.





# فصل اول

## مروری بر پیشینه و تاریخچه بحث

درباره ی جنبش مشروطیت و اندیشه های آیت الله نایینی ایران دهها کتاب و مقالات بسیاری نوشته شده است، اما به نظر می رسد به صورت خاص و علمی چارچوب و منظومه اندیشه ی سیاسی ایشان و تأثیرات آن بر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره های بعدی که شامل دوره های پادشاهی رضا شاه و محمدرضا شاه و حکومت جمهوری اسلامی ایران است، پژوهش جدی صورت نگرفته است و بیشتر تحقیقات به صورت تک بعدی اندیشه های نایینی را مورد بررسی قرار داده که عوامل مختلف شکل گیری جنبش مشروطه و با تمرکز بر نقش اندیشه های ایشان را مورد بررسی قرار نداده اند.

درباره ی موضوع خاص این رساله که بررسی اندیشه های سیاسی آیت الله نایینی در کتاب ((تنبیه الامه و تنزیه المله)) در تطبیق با مدل روش شناسی توماس اسپریگنز در کتاب ((فهم نظریه های سیاسی)) تا به امروز اثری منتشر نشده است اما در سه موضوع جنبش مشروطه، اندیشه های آیت الله نایینی و مدل روش شناسی توماس اسپریگنز تحقیقاتی به صورت مستقل صورت پذیرفته است که در بخش پیشینه ی پژوهش با توجه به مدل روش شناسی اسپریگنز و منطبق درونی چهار مرحله ای آن که شامل مراحل (مشاهده بحران، علل و عوامل بحران، درمان بحران، مدل آرمانی حکومت) است به این منابع اشاره و مهم ترین آثار را در حوزه ی نایینی را بررسی خواهیم کرد.

۱- مرتضی مطهری در کتابی تحت عنوان ((جنبش های اسلامی در صد سال اخیر)) با اشاره به آیت الله نایینی و کتاب ((تنبیه الامه و تنزیه المله)) ایشان می فرماید: انصاف این است که تفسیر دقیق از توحید عملی، اجتماعی و سیاسی اسلام را هیچ کس به خوبی علامه بزرگ و مجتهد سترگ، مرحوم



میرزا محمدحسین نایینی (قدس سره) توأم با استدلال‌ها و استشهادهای متقن از قرآن و نهج البلاغه، در کتاب ذی‌قیمت ((تنبيه الامه و تنزیه المله)) بیان نکرده است. آنچه امثال کواکبی می‌خواهند، مرحوم نایینی به خوبی در آن کتاب، از نظر مدارک اسلامی به اثبات رسانیده است. (مطهری؛ ۱۳۶۸: ۴۶)

شهید مرتضی مطهری در آسیب‌شناسی علت عدم تأثیرگذاری اندیشه‌های آیت‌الله نایینی در جامعه‌ی اسلامی در دوره‌ی مشروطه را این‌گونه بیان می‌کند: افسوس که جو عوام‌زده محیط ما کاری کرد که آن مرحوم، پس از نشر آن کتاب، یک‌باره مهر سکوت بر لب زد و دم فرو بست. (مطهری؛ ۱۳۶۸: ۴۶)

وی در ادامه می‌گوید: از نظر اندیشه‌ی اصلاحی و طرح اصلاحی در جهان شیعه نیز، شخصیت‌هایی ظهور کرده‌اند که اندیشه‌های اصلاحی در بعضی از زمینه‌ها داشته‌اند. مرحوم آیت‌الله بروجردی، علامه شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء و علامه سیدمحسن عاملی و علامه سید شرف‌الدین عاملی، به‌خصوص علامه نایینی را از این نظر نباید از نظر دور داشت. شایسته است اهل نظر اندیشه‌های اصلاحی این شخصیت‌ها را هر چند محدود به زمینه‌ای خاص است، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند. (مطهری؛ ۱۳۶۸: ۶۰)

از منظر شهید مرتضی مطهری در کتاب ((جنبش‌های اسلامی در صد سال اخیر))، کتاب ((طبايع الاستبداد)) کواکبی با توجه به محتوا، میزان تأثیرگذاری و اصالت زیرمجموعه‌ی اندیشه‌های نایینی قرار دارد و کتاب ((تنبيه الامه و تنزیه المله)) علاوه بر بعد توصیفی دقیق از شرایط در حال گذار دوران مشروطیت، دارای بعد تحلیلی بهتری از شرایط آن روز جامعه‌ی اسلامی است البته با ارایه‌ی راهکار عملی و اجرایی برای جوامع اسلامی اما جو عوام‌زده در آن دوره مانع طرح مباحث ایشان به‌صورت جدی و کاربردی شده بود که این مساله را به‌عنوان مهم‌ترین مانع و چالش در شناخت و اشاعه‌ی فقه نایینی از منظر شهید مرتضی مطهری مطرح می‌کند.

اگر کتاب ((جنبش‌های اسلامی معاصر در صد سال اخیر)) را با مدل روش‌شناسی توماس اسپریگنز و منطق درونی چهار مرحله‌ی آن (مشاهده بحران، علل بحران، درمان بحران و طرح جامعه‌ی آرمانی)، تطبیق دهیم مهم‌ترین بحران در جامعه‌ی اسلامی در دوره‌ی معاصر را در بعد داخلی بحران استبداد، انحطاط فرهنگی و عوام‌زدگی مفرط اندیشه‌ها می‌داند و در بعد خارجی مهم‌ترین بحران را حضور فراگیر و تأثیرگذار استعمار خارجی قلمداد می‌کند که هم‌افزایی و تلاقی دو حوزه داخلی و خارجی بحران در جنبش مشروطیت ایران، سبب ایجاد جو عوام‌زده و عدم تحرک جوامع اسلامی شده



است. مطهری راه درمان این بحران‌ها را شناخت و اجرای دقیق احکام الهی و تمسک به قرآن و ائمه (ع)، ایجاد و توسعه‌ی قواعد و ساختار سازی در نظام اسلامی می‌داند. او در طرح مدل آرمانی حکومتی خود استراتژی حکومت معصوم غایب (عج) را به‌عنوان آرمان اساسی شیعه مطرح می‌کند و نتیجه‌اندیشه‌های آیت‌الله نایینی را منجر به طرح مبحث ولایت فقیه از سوی امام خمینی (قدس) می‌داند.

۲- آیت‌الله سید محمود طالقانی در کتابی تحت عنوان ((تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله یا حکومت از منظر اسلام)) با نوشتن مقدمه‌ای بر کتاب ((تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله)) آیت‌الله نایینی در سال (۱۳۳۴ ه. ش) با حواشی و تلخیص دو سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد (۱۳۳۲ ه. ش) از منظر آیت‌الله نایینی به مهم‌ترین بحران‌های جامعه‌ی اسلامی پاسخی متناسب با شرایط زمانی و مکانی خود می‌دهد.

آیت‌الله طالقانی این کتاب را در اختناق و استبداد حاصل از کودتای محمدرضا شاه بر علیه دولت مصدق برای رد حکومت استبدادی سلطنتی او نگارش و استبداد سلطنتی محمد رضا شاه خلاف قانون اساسی مشروطه و اصول و قواعد اسلامی قلمداد کردند و با پیروی از فقه سیاسی نایینی استبداد را مهم‌ترین بحران سیاسی جامعه‌ی ایران مطرح می‌داند حتی اگر مقوم و توجیه‌کننده‌اش مذهب باشد یا بر اثر فهم غلط از مذهب ایجاد شده باشد. در تطبیق کتاب ((حکومت از منظر اسلام یا تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله)) با مدل توماس اسپریگنز از منظر آیت‌الله طالقانی مهم‌ترین بحران هم در دوره آیت‌الله نایینی و هم در دوره محمد رضا شاه بحران در نهاد سلطنت استبدادی و روش حکومت داری شخص شاه است و درمان این بحران با تاسیس حکومت اسلامی و رعایت قواعد فقه خصوصاً ایجاد ساختار حکومتی شورایی مقدور می‌دانستند و مدل آرمانی حکومت از نظر آیت‌الله طالقانی حکومت امام معصوم غایب (عج) است. در مرحله‌ی درمان بحران آیت‌الله طالقانی سلسله‌مراتب مورد نظر آیت‌الله نایینی در تقسیم‌بندی حکومت‌ها را بر پایه میزان مشروعیت و اصالتشان پذیرفته است اما ساختار حکومت شورایی را در کنار حکومت مشروطه‌ی مشروعه پیشنهاد می‌دهد. با در نظر گرفتن اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله طالقانی، ایشان به دنبال ایجاد سازوکارهایی در ساختار حکومتی است که از استبداد و خودکامگی سلطنتی جلوگیری و فرهنگ استبداد‌پذیری را در جامعه ریشه‌کن کند. در نظر طالقانی هر اندیشه‌ای که جلوی استبداد را بگیرد به اهداف پیامبران و ائمه (ع) نزدیک تر است اگر چه مقصود نهایی اسلام نباشد. (طالقانی؛ ۱۳۳۴: ۳۲) به نظر می‌رسد کتاب ((حکومت از منظر اسلام)) یک



بازسازی خوبی از کتاب ((تنبيه الامه و تنزيه المله)) آیت الله نایینی انجام که با منطق بازسازی شده تطابق بیشتری دارد. در این کتاب به خوبی راهکارهای ایشان مطرح نشده و چارچوب و سازوکار اجرایی حکومت شورایی مشخص نگردیده است.

۳- عبدالهادی حائری در کتابی با عنوان ((تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق در مشروطه))، با رویکردی انتقادی، تاریخی با روش شرق‌شناسانه و بهره‌گیری از منابع مختلف مراکز علمی کشورهایی چون آمریکا و انگلستان، اندیشه‌ها و کتاب ((تنبيه الامه و تنزيه المله)) آیت‌الله نایینی را مورد بررسی و نقد قرار داده است. او دانش‌آموخته دانشگاه‌های کانادا است و در اوایل انقلاب اسلامی ایران، پایان‌نامه‌ی دکترایش همین کتاب ((تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق در مشروطیت)) است را با تمرکز بر نقش و جایگاه علما بخصوص آیت‌الله نایینی در پیروزی جنبش مشروطه ترجمه و منتشر کرده است.

عبدالهادی حائری، مشخصه، ساختار و محتوای کتاب ((تنبيه الامه و تنزيه المله)) را بین دو حوزه‌ی اندیشه‌های سیاسی و تاریخ در رفت و برگشت می‌داند و با دیالکتیک انتقادی به نقد افکار آیت‌الله نایینی پرداخته است که شیوه‌ی بررسی‌های ایشان را غیر تاریخی، غیرعلمی، ناقص و بدون اصالت معرفی می‌کند. این کتاب در هفت فصل تدوین و در فصل یک ریشه‌های فکری جنبش مشروطه ایران مورد بحث قرار گرفته است. در این فصل ریشه‌های فکری نوگرایی و مشروطه‌خواهی را اساساً به غرب نسبت داده است و اندیشه‌های مشروطه‌خواهی آیت‌الله نایینی و مشروطه‌خواهان را فاقد اصالت، اقتباسی، ناقص و ابهام‌آلود قلمداد می‌کند و کتاب ((تنبيه الامه و تنزيه المله)) را اقتباسی ناقص از کتاب ((طبایع الاستبداد)) عبدالرحمن کواکبی معرفی می‌کند. حائری ضمن طرح انتقادات اساسی به اندیشه‌های نایینی، به تمجید از شیخ فضل‌الله نوری می‌پردازد و نو بودن اندیشه‌های مشروطه‌خواهی و روش اجتهادی ایشان را منبعث از اندیشه‌های سنتی شیعی قلمداد می‌کند. حائری در این کتاب تحلیلی مارکسیستی و اقتصادی درباره طبقات جامعه‌ی ایرانی با منطقی جبرگرایانه درباره‌ی دوره مشروطه ارائه می‌کند.

در تطبیق کتاب ((تشیع و مشروطیت و نقش علمای عراق در مشروطه)) با مدل روش‌شناسی توماس اسپریگنز، عبدالهادی حائری مطرح شده استبداد را به عنوان مهم‌ترین بحران در اندیشه‌های آیت‌الله نایینی، اقتباسی ناقص از مفهوم استبداد در اندیشه‌های عبدالرحمن کواکبی می‌داند و به‌صورت کلی



اصالت جریان مشروطیت را زیر سؤال می برد اما هرگز به منطق درونی اندیشه‌های نایینی دست پیدا نکرده است. عبدالهادی حائری نوع ریشه یابی آیت الله نایینی از بحران استبداد را در کتاب ((تنبیه الامه و تنزیه المله)) رونوشتی ناقص از فلاسفه غربی خصوصاً منتسکیو می داند و اصالت ریشه شناسی مشکل توسط نایینی را رد می کند اما در کل کتاب خود ارزیابی دقیقی از منطق درونی اندیشه های آیت الله نایینی به دست نیاورده است. حائری هم در مقام توصیف هم در مقام تحلیل در بازشناسی اندیشه های نایینی ضعیف عمل کرده است، بر خلاف آن چیزی که عبدالهادی حائری مطرح می کند، آیت الله نایینی هم در مرحله مشاهده بحران و هم در مرحله تشخیص علل و عوامل بحران و هم در مرحله درمان بحران، زیربنای تمامی اندیشه‌های خود را مبانی روش و معرفت شناسی اسلامی و فقهی قرار داده است و سعی در تطبیق مدرنیته با اسلام دارد. حائری مبانی معرفت شناسی و روش شناسی مدرنیته، نحوه ی ورود و به کارگیری اندیشه ها و روش های آن در ایران را علت بحران قلمداد می کند. علل ایجاد بحران را در بینش و روش اساساً متفاوت جامعه‌ی ایرانی با اندیشه‌های غربی می داند و راه درمان بحران استبداد را توجه علمی به مدرنیته و تطبیق جامعه و اندیشه‌ی ایرانی و اسلامی با آن می داند.

کتاب دیگر عبدالهادی حائری تحت عنوان ((نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب)) است که به‌عنوان کتاب سال نیز برگزیده شد. روش داوری در این کتاب مبتنی بر الگوی نظری ایشان در مطالعات تاریخی است که تقریباً در همه آثارش وجود دارد که مشتمل بر توجه هم زمان به دو رویه‌ی تمدن غرب یعنی استعمار از یک سو البته با توجه به ابعاد مخربش و دانش، فن‌آوری و کارشناسی از سوی دیگر است که ورود این دو به کشورهای اسلامی به‌صورت هم‌زمان باعث پیچدگی اوضاع اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی خصوصاً جامعه ی ایرانی بعد از جنبش مشروطه شده بود. این پدیده از منظر حائری نویسندگان را در گردآوری و داوری دچار ابهام و مشکل می کرد. ایشان ضمن عدم اصالت قایل بودن برای جریانان نوگرا و پیرو مدرنیته در شناخت غرب، راه کارهای روشنفکران دینی و غیردینی را در حل بحران‌های جامعه بعد از مشروطیت نقد و هیچ کدام از آن‌ها را قبول ندارد. عبدالهادی حائری به‌عنوان یکی از منتقدان آیت الله نایینی مقاله‌ای را در کنگره‌ی بزرگداشت آیت‌الله نایینی تحت عنوان ((ریشه‌های فکری آیت‌الله نایینی)) ارایه کرده است که الگوگیری این مقاله مشابه کتاب ((تشیع و مشروطیت و نقش علمای مقیم عراق در



مشروطیت)) است. در اندیشه‌های حائری با وجود فاخر بودن کتاب ((تنبيه الامه و تنزيه المله)) به لحاظ سبک نگارش و نوآوری‌های خاص آن، اندیشه‌های نائینی بیش از کپی‌برداری ساده از اندیشه‌های دوران مدرنیته اروپای غربی نیست.

۴- توفیق سیف در کتابی با عنوان ((استبداد ستیزی تحلیلی از زندگی اجتماعی و دیدگاه‌های سیاسی علامه محمدحسین غروی نائینی)) با ترجمه‌ی محمد نوری که عنوان عربی آن در چاپی دیگر در سال (۱۹۹۹ میلادی)، ((الاستبداد، الفقه السياسي الشيعي في عصر الغيبة)) است به تحلیل زندگی، زمانه و موضع گیری‌های سیاسی آیت‌الله نائینی پرداخته است.

سیف در این کتاب به تحلیل رابطه‌ی دین و دولت در اسلام و تشیع می‌پردازد و در مرحله بعد بر شخصیت، فقه و کردار سیاسی نائینی متمرکز می‌گردد. او برای نائینی فهم خاصی از شریعت نسبت به علمای پیشین و هم عصر خود قایل است و کتاب ((تنبيه الامه و تنزيه المله)) را در فقه دریچه‌ای نو به فقاهت می‌داند. از منظر او، آیت‌الله نائینی در دایره‌ی فقاهت استفاده از منبع معرفتی عقل را گسترش و الگویی پیشرفته برای نظام سیاسی دوران خودش پیشنهاد می‌کند که با احکام اولیه دین مطابقت دارد. به نظر سیف، نائینی از دریچه‌ی دین به سیاست نگاه می‌کرد و سیاست را از نوعیات می‌دانست که دین تصمیم‌گیری در آن‌ها را به خود بشر واگذار کرده است.

با تطبیق اندیشه‌های توفیق السیف در کتاب ((استبداد ستیزی)) با مدل روش‌شناسی توماس اسپریگنر بحران را در اندیشه‌های نائینی را استبداد سلطنتی فراگیر حکومت قاجار و علل بحران را فرهنگ استبداد زده‌ی جامعه‌ی ایرانی می‌داند اما سیف در مرحله‌ی درمان بحران، نظام عقلانی سلطنت مشروطه‌ی مشروعه را در اندیشه‌های نائینی بازسازی نکرده و تشخیص نداده است اما مدل دولت آرمانی تشیع را از منظر نائینی دولت معصوم غایب (عج) می‌داند. کتاب ((استبداد ستیزی)) جزء آثار تأییدکننده نائینی با روش توصیفی و تحلیلی است که اگر با توجه به منطق درونی و بازسازی شده این کتاب را در نظر بگیریم جزء آثاری با منطق بازسازی شده محسوب می‌گردد.

۵- صادق زیباکلام در کتاب ((سنت و مدرنیته، ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار)) به بررسی حکومت قاجار از زمان شکل‌گیری تا دوره مشروطه و ورود مدرنیته و رابطه سنت و مدرنیته می‌پردازد و در این میان نیز اندیشه‌های آیت‌الله نائینی را مطرح می‌کند. نگاه زیباکلام در مسایل اجتماعی و سیاسی ایران توسعه‌مدار، با نگاهی متمرکز بر تحولات سیاسی و



اجتماعی درونی جامعه و دولت ایران و رد دخالت عامل خارجی در این تحولات با روش توصیفی، تحلیلی و آسیب‌شناسانه است. زیباکلام جنبش مشروطه ایران را طرحی اساساً شکست خورده نمی‌داند و انقلاب اسلامی ایران را با نظام حکومتی جمهوری اسلامی ادامه‌ی دهنده راه جنبش مشروطه قلمداد می‌کند و اصولاً اندیشه‌های نایینی را تأیید می‌کند. صادق زیباکلام در دو کتاب ((ما چگونه ما شدیم)) و ((مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی)) و مقاله‌ی ((مشروطه‌گی از دیدگاه آیت‌الله نایینی)) این خط روشی را دنبال و ادامه می‌دهد.

کتاب ((سنت و مدرنیته)) در نه فصل تدوین که در فصل سوم رابطه‌ی مذهب و حکومت قاجار مورد بررسی قرار گرفته است و این رابطه پیچیده، بدون ثبات و متغیر توصیف شده است. در این کتاب به اصلاحات در حکومت قاجار توجه ویژه‌ای شده و اصولاً به آیت‌الله نایینی از منظر یک اصلاح طلب نگریسته شده است. در فصل نهم کتاب به ریشه‌یابی علل عدم موفقیت جنبش مشروطه و دیدگاه شیخ فضل‌الله نوری در مخالفت و آیت‌الله نایینی در موافقت با مشروطیت می‌پردازد.

صادق زیباکلام کتاب ((تنبیه الامه و تنزیه المله)) آیت‌الله نایینی را پاسخی شرعی به اندیشه‌های شیخ فضل‌الله نوری در کتاب ((تذکره الغافل و ارشاد الجاهل)) قلمداد و هنر نایینی را تطبیق اسلام با مدرنیته می‌داند. اگر کتاب ((سنت و مدرنیته)) را با مدل روش‌شناسی توماس اسپریگنز تطبیق دهیم خط دقیق و مشخص از بحران در اندیشه‌های زیباکلام قابل شناسایی نیست ایشان مجموعه‌ای از عوامل مرتبط با یکدیگر را به عنوان زمینه‌های بحران قلمداد می‌کند اما سنت و مدرنیته و برخورد آن‌ها در ابتدای دوره‌ی اصلاحات قاجار را نقطه‌ی شروع بحران می‌داند و از سنت‌های غیر پویای اجتماعی ایران به مهم‌ترین علل بحران و عقب‌ماندگی یاد می‌کند. از دیدگاه زیباکلام، آیت‌الله نایینی با نوشتن کتاب ((تنبیه الامه و تنزیه المله)) درصدد کم کردن این بحران با تقویت سنت‌های پویای اجتماعی ایرانی و اسلامی بوده است و نظریه نظام سلطنت مشروطه مشروعه را که تلفیق‌کننده‌ی پویایی جنبه‌های سنت و مدرنیته و راه‌حلی برای ضعف‌های نظام سیاسی می‌داند. در کتاب ((سنت و مدرنیته)) در فهم نظریات نایینی از منظر درونی و راه حل‌شناسی استفاده شده است اما زیباکلام به خوبی مراحل مختلف چهارگانه را به یکدیگر مرتبط نکرده است و مدل جامع و مانعی حتی از ایشان ارائه نمی‌دهد. شاید یکی از دلایل این مساله عدم تمرکز تحقیقاتی بر اندیشه‌های نایینی است.



۶- فریدون آدمیت در کتابی تحت عنوان ((ایدئولوژی نهضت مشروطیت)) در سه جلد و شانزده بخش تدوین کرده است که در بخش نهم جلد اول به اندیشه‌های آیت‌الله نایینی می‌پردازد. آدمیت، نایینی را روحانی مترقی مشروطه‌خواه و کتاب ((تنبيه الامه و تنزيه المله)) را جامع‌ترین تحلیل اصولی و توجیه‌کننده‌ی شرعی نظام سیاسی مشروطیت می‌داند. اما بر این باور است که کتاب ((تنبيه الامه و تنزيه المله)) دارای تفکری مستقل و اصیل نیست و مستقیماً ترجمه‌ی کتاب ((طبایع الاستبداد)) عبدالرحمان کواکبی است که خود کتاب فوق‌الذکر کواکبی نیز متأثر از کتاب ((در جباری)) ویتوریو الفیری نویسنده‌ی ایتالیایی می‌باشد.

بخش دوم: ادبیات و مبانی نظری تحقیق

در این رساله ابتدای دوره معاصر ایران به لحاظ سیاسی و تاریخی دوره قاجار خصوصاً دوره مشروطه در نظر گرفته شده است برای فهم مهم‌ترین تحولات دوره قاجار ناگزیر باید بر دوره جنبش مشروطه ایران با در نظر گرفتن نقش دین و قشر علما به عنوان هسته مرکزی تحولات سیاسی و اجتماعی ایران تمرکز نماییم. حال با توجه به مبحث فوق‌الذکر به بررسی رابطه دین و سیاست در تاریخ ایران خصوصاً در دوره قاجار و انواع نظام‌های سیاسی در ایران معاصر و مدل‌های آن با تمرکز بر جنبش مشروطه خواهیم پرداخت.

مدل‌های دولت در ایران

- در ایران چند مدل از نظام‌های سیاسی را می‌توان شناسایی کرد؟

- در میان این مدل‌ها، جایگاه نظام سیاسی قاجاری کجاست؟

به‌طور کلی می‌توان مدل‌های مختلفی از حکومت را در ایران شناسایی کرد اما چهار مدل از آن‌ها

برجسته‌تر بقیه هستند:

۱- مدل پادشاهی

۲- مدل خلافت

۳- مدل حکومت مشروطه

۴- مدل حکومت جمهوری اسلامی.

در این رساله متمرکز بر مدل حکومتی مشروطه با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله نایینی خواهیم بود.

اکنون به‌صورت اجمالی به بررسی چهار مدل حکومتی فوق‌الذکر خواهیم پرداخت. اما این رساله در





پی اثبات اثرگذاری فقه سیاسی آیت الله نایینی بر دوره چهارم و مدل جمهوری اسلامی و نظریه ولایت فقیه امام خمینی (قدس) است.

۱- مدل سلطنتی (پادشاه متکی به خود): سلسله‌های حکومتی مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان (تا پیش از اسلام) دارای این مدل حکومتی بودند. سلسله پادشاهی ساسانیان به دست مسلمانان ساقط گردید. از قرن دهم تا سیزدهم هجری قمری و همزمان با حکمرانی سلسله‌های صفویه، افشاریه، زندیه و در دوره قاجار تا دوره مشروطه و پهلوی این مدل حکومتی در ایران برقرار بوده است. (لک زایی؛ ۱۳۹۰: ۵۰)

۲- مدل حکومتی خلافت: نظام خلافت و امارت مختص ایران نبود، بلکه در همه جهان اسلام، به عنوان مهم ترین مدل حکومت مطرح و در چند قرن ابتدایی در کل دنیای اسلام از جمله ایران، تحت پوشش آن قرار داشته اند. از زمان حکومت مأمون عباسی یعنی اوایل قرن سوم هجری قمری، امیرانی به نیابت از خلفای عباسی در ایران حکومت می‌کردند. نخستین آنها حکومت طاهریان بود. طاهر ذوالیمینین اولین امیری بود که مأمون پس از رفتن به بغداد، برای مناطق شرقی برگزید.

این امیران در ابتدا به صورت اختیاری انتخاب می‌شدند، اما پس از مدتی این مسئله حالت اجباری نیز به خود گرفت؛ یعنی در ایران افرادی با زور قدرت را تصاحب و خلیفه را وادار کردند تا به اسم آنان حکم صادر نماید. آل بویه، غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان از جمله طایفه‌هایی بودند که خلیفه به نام آنها حکم صادر کرد، اما برای برخی دیگر، مانند صفاریان، اسماعیلیان این کار انجام نشد. (لک زایی؛ ۱۳۹۰: ۵۰) مغول‌ها در سال (۶۵۶ ه. ق) نظام خلافت عباسی را ساقط کردند. آنها همچنین نظام‌های خوارزمشاهیان، سلجوقیان و اسماعیلیان را از میان برداشتند. ایلخانان اصالتاً ایرانی نبودند. آنان یک حکومت شبه ملی در ایران تشکیل دادند و ایران یکی از بخش‌های امپراطوری بزرگ ایل آنان به‌شمار می‌آمد.

از اوایل دوره قاجار که دوران گذار از سنت‌های اجتماعی ایرانی و اسلامی به مدرنیته شروع می‌گردد، مقدمات ورود بیگانگان به عرصه سیاسی ایران فراهم شد به‌طور خاص می‌توان نقطه شروع این مرحله را در عهدنامه گلستان و ترکمنچای مشاهده کرد. در این عهدنامه‌ها ماده واحدهایی گنجانده شد مبنی بر آنکه روس‌ها متعهد می‌شوند تا سلطنت در خاندان عباس میرزا استمرار یابد، یعنی روس‌ها موظف بودند که از عباس میرزا و خاندان وی حمایت کنند. این اولین سند رسمی است که نشان‌دهنده



ورود بیگانگان به عرصه سیاسی ایران و دخالت آنان در انتخاب مهمترین رکن حکومت یعنی شاه می‌باشد. (لک زایی؛ ۱۳۹۰: ۵۶-۵۴) از این پس شاهد دخالت بیگانگان خصوصاً روسیه و انگلیس در عرصه سیاسی ایران می‌باشیم. سرانجام مدل استبدادی و دیکتاتوری وابسته به بیگانه در صحنه سیاسی ایران ظاهر می‌گردد.

۳- مدل سلطنت مشروطه: مدل سلطنتی مشروطه در ۷۹ سال حاکمیت خود هیچ‌گاه به‌طور کامل تحقق نیافت. این مدل حکومتی در دوره قاجار با سلطنت مظفرالدین شاه، محمد علی شاه و احمد شاه و در دوره حکومت پهلوی ها رضا شاه و محمد رضا شاه حاکمیت داشت. بر اساس این مدل پادشاهی جنبه تشریفاتی دارد و روند اداره کشور بر مبنای قانون اساسی و مجلس که در واقع مظهر قدرت مردم است صورت می‌گیرد. در سلطنت مشروطه مردم قدرت را در دست دارند. در طول ۷۹ سال دوره حکومت مشروطه سه کودتا توسط محمد علی شاه بر علیه نظام مشروطه، رضا شاه بر علیه حکومت احمد شاه و نخست وزیر آن و محمد رضا شاه بر علیه دولت مردمی محمد مصدق انجام گرفته است. مجلس شورای ملی و مجلس سنا به عنوان (مجلسین) به عنوان ارکان تقنین در دوره مشروطه قلمداد می‌شدند و دوره حکومت نظام مشروطه در ایران بیست و چهار دور مجلس شورای اسلامی برقرار بود. در برخی مقاطع قانون‌گذاری در ایران از دوره اول مجلس تا دوره چهارم و تا اندازه‌ای دوره پنجم اراده مجلس بر کشور حاکم بود. در دوره پنجم، دوره نمایندگی مجلس دو ساله شد. همچنین در دهه (۱۳۲۰ ه. ش) و دوره‌های چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم مجلس شورای ملی، طبق این مدل عمل می‌گردید. طبق متمم قانون اساسی مشروطه شاه از هر گونه مسئولین مبری بوده است و خانواده و اطرافیان او از ورود به حوزه سیاست و اقتصاد منع شده بودند و در مجموع شاه وظیفه سلطنت را بر عهده داشت نه حکومت بر مردم. در واقع به دلیل آنکه سلطنت مشروطه هیچ‌گاه به‌طور کامل و صحیح در ایران برقرار نشد نمی‌توان این الگوی حکومتی را مدل اجرا شده در ایران به‌شمار آورد. (لک زایی؛ ۱۳۹۰: ۵۵-۵۰) تمرکز مطالعاتی و تحقیقاتی این رساله بر این دوره از تاریخ ایران با اثبات تأثیری که بر مدل حکومتی جمهوری اسلامی گذاشته می‌باشد. البته این مدل و دوره در این رساله با توجه به نظریه‌ی آیت‌الله نایینی در کتاب ((تنبیه الامه و تنزیه المله)) در تطبیق با مدل توماس اسپریگنز مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.



۴-مدل جمهوری اسلامی: این مدل حکومتی دارای سه بخش شامل استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی است. هر کدام از بخش های این مدل به نفی مشکلات و معضلاتی می‌پردازد که ایران در طی قرن های متمادی با آن روبه‌رو بوده است و مدل های قبلی حکومتی از داشتن برنامه ای عملی در جهت اعاده ی حقوق اساسی مردم و حکومت ایران در عرصه داخلی و بین المللی ناتوان بودند. مراد از استقلال نفی اتکا به بیگانگان است که این وابستگی به‌طور خاص در حکومت پهلوی وجود داشت. ایران در دوره حکومت مظفرالدین شاه، محمد علی شاه و احمد شاه قاجار بین دو کشور انگلیس و روسیه در بحث نفوذ همه جانبه ی سیاسی و اقتصادی دست به دست می شد و دوره رضا شاه پهلوی در هشت سال اول پادشاهی او زیر نفوذ انگلیس قرار داشت و در هشت سال دوم زیر یوغ آلمان نازی بود که سیاست خارجی ایران هم در جنگ جهانی اول هم در جنگ جهانی دوم باعث اشغال نظامی ایران گردید. در دوره محمد رضا شاه نیز در دوره سال اول زیر نفوذ انگلیس و در بیست و پنج سال دوم زیر نفوذ آمریکا قرار داشتیم. مدل جمهوری اسلامی ایران با سه شعار استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی درصدد رفع مهم ترین نقایص نظام حکومتی مشروطه سلطنتی در ایران بود.

#### رابطه ی دین و سیاست

رابطه دین و سیاست یا دین و دولت از حساس ترین مباحث جامعه‌شناسی و اندیشه‌های سیاسی است. بحث رابطه دین و سیاست در تاریخ غرب، سیطره خود را از دوره نوزایی بر تاریخ اندیشه‌های سیاسی حفظ و دارای اهمیت خاصی است. نقطه آغاز اندیشه‌های فلسفی، اجتماعی و سیاسی، شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و تمدنی در جهان منبعث از فرهنگ و باورهای دینی است و دین و سیاست (کلیسا و حکومت) کار ویژه‌های مشترکی داشته اند و گاهی متفاوت و متضاد عمل کرده‌اند. غرابت و استبعاد (رابطه ی دین و سیاست) به اندیشه‌های سکولار باز می‌گردد که در دو قرن اخیر، بر اندیشه‌های سیاسی مسلط شده و نامأنوس ترین مقوله در جهان سیاست را دین و مقوله‌های مذهبی که هر جا سیاست پا گذارد، دین از در دیگر خارج و بالعکس، قلمداد می‌کند. (قادری؛ ۱۳۸۳: ۲۰۶)

درک سرچشمه واحد دین و سیاست منوط به درک ما از جامعه و سیاست است. دین همان ملاط اولیه و رشته پیوندی است که افراد را مانند دانه‌های تسیح به هم گره زده، از آن‌ها کلی واحد و یک پارچه به‌وجود می‌آورد. این نکته را جامعه‌شناس شهیر فرانسوی، امیل دورکیم، در کتاب عناصر



اولیه حیات مذهبی تشریح کرده و ادله جدایی بعدی دین و سیاست را بر می‌شمارد. (نقیب زاده؛ ۱۳۷۲: ۲۰-۲۱)

این رساله درصدد اثبات پیوستگی تاریخی و اثرگذاری ادوار مختلف تاریخی در ایران بر دوره بعد از خود به صورت فرهنگی و زنجیروار است به طوری که هر دوره بر دوره بعد از خود اثرگذار و تاریخ ایران را مانند دانه‌های زنجیر به هم وصل کرده است. در هر دوره ای از تاریخ ایران نحوه تاثیرگذاری دین در سیاست، فرهنگ و اجتماع ایرانی دارای منطق ویژه خود می باشد. در این رساله سعی در اثبات بعد زیربنایی دین در تاریخ ایران و در مرکز تحولات بودن قشر روحانیت چه در قبل از ورود اسلام به ایران و چه بعد از ورود اسلام به ایران که در لحظات وصل و فصل (تولد، ازدواج، مرگ) در کنار مردم حضور داشته می باشد که این رابطه از طریق رسالت همه جانبه ای که دین برای سعادت انسان تعریف می کند و به شکل پیوستگی دین و دولت در ایران متجلی گردیده است.

بعد از ورود اسلام به ایران، اسلام به تدریج در میان ایرانیان عمق بیشتری یافت و دانشمندان و متفکران بزرگی در این حوزه پدید آمدند که به شکوفایی اندیشه‌های فلسفی و عرفانی اسلام، کمک فراوان کردند. اما اولین حکومتی که بعد از اسلام ادامه دهنده سیاست های نظام حکومتی ساسانی در حوزه ی دینی محسوب می‌شود دولت صفویه است. رابطه دین و دولت در قالب همکاری نخبگان سیاسی و نخبگان مذهبی و نه در وحدت آن‌ها، وجه مشترک ساسانیان و صفویه به شمار می رود. پس از صفویه نیز سلسله‌های زندیه و قاجار در همین خط حرکت کردند، اما قاجار نه انسجام صفویه را داشت و نه اقتدار آن را و آقا محمدخان قاجار به‌عنوان مؤسس سلسله‌ی قاجار شمشیر خود را در بقعه ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی تبرک و برای حفاظت از مذهب شیعه سوگند یاد کرد. فتحعلی شاه نیز روحانیان را گرد آورد و به تحیب قلوب آنها روی آورد. تنها پُرانتز آشکاری که از زمان ساسانیان تا جمهوری اسلامی در تاریخ ایران باز شد، دوره پهلوی بود. (نقیب‌زاده؛ ۱۳۸۰: ۴۰-۴۴)

به نظر می‌رسد که بنیان مشروعیت دینی حکومت‌ها در ایران سابقه طولانی دارد و هر حکومتی که مشروعیت دینی خود را از دست می داد به سرعت مشروعیت سیاسی و اقتدار خود را از دست یافته می دید و در کشور شورش و ناامنی جایگزین امنیت می شد و دولت را مجبور به استفاده از زور می کرد و این مساله تناوب سلطه و شورش به جای تناوب اقتدار را در ایران به وجود آورده است. بعد از ورود اسلام به ایران در چند قرن ابتدایی دین اسلام پیروان فراوانی در ایران پیدا کرد و به نظر نگارنده مردم



ایران به درونی کردن اندیشه های اسلامی در فرهنگ خود پرداختند که این قرون ابتدایی به قرون درونی سازی اندیشه های اسلامی در فرهنگ و اندیشه ی ایرانی و ترکیب در دو فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی و تلاش فکری برای ارایه ی راهکارهای جدیدی برای عبور از بحران های فکری و اجتماعی توسط نخبگان و مردم بود.

سقوط ایران توسط مغولان نیز یک مرحله ی مهم از تاریخ ایران بود اما آنها تفکر دینی نوینی برای مردم ایران به همراه نداشتند و بر ساخت هویتی، سیاسی و اجتماعی جامعه ی ایرانی تأثیر منفی گذاشتند. در دوره ی صفوی اکثریت جامعه ایرانی و دولت صفوی به صورت رسمی حامی جریان شیعی در ایران شده بودند و مذهب شیعه را به صورت رسمی وارد عرصه ی سیاسی ایران شد. اسلام و تشیع از زمان ورود به ایران به تدریج در میان ایرانیان عمق پیدا و دانشمندان و متفکران بزرگی در این حوزه پدید آمدند که به شکوفائی اندیشه های فلسفی و عرفانی اسلام کمک کردند. (نقیب زاده؛ ۱۳۸۰: ۴) بنیان مشروعیت سیاسی حاکمان در ایران به مشروعیت دینی باز می گردد به طوری که اگر حکومتی مشروعیت دینی خود را از دست بدهد مجبور به استفاده از زور و استبداد برای اداره ی امور جامعه خواهد بود. (نقیب زاده؛ ۱۳۸۰: ۴۱)

طبقات و اقشار جامعه ی ایران شامل درباریان، روحانیان، وزرا و دیوانیان، تجار، کسبه، صنعتگران، کارگان و دهقانان بودند که تنها قشری که قوای فکری و مذهبی جامعه را هدایت و کنترل و مردم به این رابطه به عنوان یک رابطه ی مقدس نگاه می کردند، تنها قشر روحانیت بود و هست که در مشروعیت و یا عدم مشروعیت حکام نقش بی مانندی ایفا می کردند. اکثریت نخبگان جامعه ی ایرانی در طول تاریخ ایران متعلق به این قشر بودند. (لک زایی؛ ۱۳۹۰: ۱۳۳-۱۳۶) هر طبقه و قشری که به روحانیت نزدیک تر بود در بین مردم و سایر طبقات مشروعیت بیشتری پیدا می کرد اما هر طبقه ای که به حکومت وابسته تر بود به لحاظ منابع مالی و قدرت از موقعیت بهتری برخوردار می گشت و شاید به دلیل عدم همراهی علما با اصلاحات از بالا در دوران قبل از جنبش مشروطیت اصلاحات عباس میرزا قاجار ولیعهد فتحعلی شاه و امیرکبیر صدرالعظم ناصرالدین شاه این اصلاحات زمینه ی اجتماعی پیدا نکرد و موفقیت آمیز نبود. در جنبش مشروطیت هر جا که نقش و جایگاه خاصی برای علما در نظر گرفته می شد این تحرک با کارکرد بیشتری مواجه می شد و بر عکس اگر علما دخالتی در امور نداشتند تحرکی در هیچ جنبشی به وجود نمی آمد. (آل غفور؛ ۱۳۸۴: ۱۲-۱۸)